

شاید رنگ آسمان نشان عوض شده باشد!

رضا باقری شرف

دو ساعت گپ خودمانی با مجید اخشابی

پرونده
ویژه

جدا

۲۱

ش ۱۲۰



اشاره:

حالا که بحث پرونده ویژه این شماره موسیقی است و تا حدودی هم جنجالی؛ بد نبود که از مصاحبه‌ای چالشی با یک متخصص موسیقی در پرونده این شماره استفاده کنیم!

آن هم مصاحبه‌ای که هندوانه زیر بغل موسیقی نگذارد، «رپورتاژ» نباشد و بدون تعارف موسیقی حال حاضر را به چالش بکشد.

با «مجید اخشابی» دو ساعت در مورد وضعیت حال حاضر موسیقی کشورمان، وضعیت فرهنگی رو به وخامت آن، خوبی‌ها و بدی‌ها و باید و نبایدهای آن گپ زدیم. از ابتدای در موسیقی گرفته تا شبکه‌های موسیقی زیرزمینی و ...



پرونده ویژه

نظر داشته باشیم تا یک شعر نامناسب از نظر فرهنگی را از شعر مناسب تشخیص بدهیم؟! شعر در ترانه یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اجزاء ترانه است.

این نکته خیلی اهمیت دارد که وقتی مخاطب آهنگی را از خواننده‌ای می‌شنود، هنگام مرور شعر این آهنگ چه تصویری در ذهن خودش از این شعر و آهنگ درست می‌کند.

همچنین این نکته هم اهمیت دارد که شخص چه چیزی را می‌خواهد بشنود... شنیدن یک سری الفاظ رکیک و ناشایست همیشه انسان را می‌رنجاند و بر روحیه شنونده تأثیر مستقیم دارد. مثلاً شنیدن الفاظی مثل یأس، ناامیدی، انزجار، تنفر، بی‌هدف بودن، کم‌کم ذائقه روحی فرد را دگرگون می‌کند.

حالا اگر خواننده‌هایی هستند که با این الفاظ و این روحیات کارهایی را تولید می‌کنند و همچنین مخاطب این آثار هم چند ماهی را به طور پیوسته به این آثار گوش کنند، کم‌کم شنونده به یک بیمار تبدیل می‌شود! بیماری که همیشه از همه چیز و همه کس متنفر است. آن هم به بهانه این که در برهه کوتاهی از عمرش با ناملایماتی روبرو بوده و درست در همان دوره، آثار خوانندگانی را که آلبوم‌هایی با این حال و هوا بیرون می‌دهند، گوش می‌کرد. پس خواننده در مقابل آن چه که می‌خواند مسئول است.

باید دید موسیقی چه چیزی را به جای می‌گذارد؟ ماحصل این اثر، ارزشمند و سازنده است یا مخرب؟! همیشه اولین نشانه‌های ابتدال موسیقی، در شعر خودش را نمایان می‌کند. شعر هم وقتی مخرب باشد، کم‌کم موسیقی را هم به ابتدال می‌کشد و این در حالی است که موسیقی به خودی خود و با رعایت شئون، مبتذل نیست. اما اکثراً محتوای اشعار است که اولین جرقه ابتدال موسیقی را می‌زند.

اگر احادیث ائمه معصومین (ع) را مورد توجه قرار بدهیم که آن چه که ارزش عمر گذاشتن را داشته باشد ارزشمند و ماندگار خواهد بود، آن وقت است که با خطاب قرار دادن خداوند در اشعار می‌توان موسیقی سالم هم تولید کرد.

اما در سال‌های اخیر، آلبوم‌هایی که با حال و هوای یأس و ناامیدی و خیانت و امثال این‌ها تولید می‌شوند، فروش بیش‌تری دارند...

بله. ممکن است وقتی چنین آلبومی منتشر شد، دو سه ماهی هم مورد استقبال قرار بگیرد؛ اما آیا این اثر ماندگاری دارد؟!

به‌عنوان مثال، شما آلبومی را از یک خواننده تصور کنید که در آهنگ‌هایش از اشعاری استفاده کرده که پر از فحاشی و ناسزا و یأس و ناامیدی است.

خب هم ممکن است یک نوجوان یا جوان این آلبوم را تهیه و استفاده کند. اما آیا بعد از دو سه سال که

قیمتی - باشد برایشان مهم نیست که از هنرشان در چه راهی بهره‌برداری شود.

البته ارگان‌های زیربسط مثل اداره ارشاد تلاش‌هایی را انجام می‌دهند که فرهنگ‌سازی‌های لازم را ایجاد می‌کنند تا اگر هنرمندی مایل است اثرش پخش شود، با اندکی پختگی بیش‌تر و دیدی هنری‌تر و فرهنگی‌تر همین اثر را در کشور خودمان ارائه بدهد.

بحث به تلاش ارگان‌های زیربسط برای فرهنگ‌سازی رسید... این حرکتی که اخیراً از سوی ارگان‌های دولتی در راستای بازگشت بعضی خوانندگان ایرانی مقیم خارج از کشور صورت گرفته، جزء همین تلاش‌ها در راستای فرهنگ‌سازی است؟ مخرب است یا مفید؟!

ما هم مثل شما چیزهایی در این مورد شنیده‌ایم؛ اما متقن و مستند نیست، اما اگر هم انجام شود، به نظر آن قدر تأثیرگذار نیست و طبیعتاً تا چند ماه می‌تواند کانون توجهات باشد و بعد از آن عادی خواهد شد. اصلاً اگر یادتان باشد تا چند وقت پیش هم از آنتن صدا و سیما صداهایی از خوانندگان داخلی پخش می‌شد که شباهت بسیاری به تن صدای خوانندگان مقیم خارج داشت. اما این اتفاقات آن قدر در کانون توجه قرار نگرفت... در کل تصور نمی‌کنم بازگشت این افراد (که فعلاً در حد شنیده‌ها است) تأثیر مثبت یا منفی ماندگاری داشته باشد.

اما اگر قرار باشد واقعاً چنین کاری را انجام دهند، مستلزم این است که مسئولین مرتبط با این جریان به اندازه کافی روی آن فکر کنند.

اگر بخواهیم در مورد شعر و محتوای اشعاری که در ترانه‌ها استفاده می‌شوند صحبت کنیم، چه ملاک‌هایی را می‌توانیم در

شاید به‌عنوان سؤال اول بد نباشد در مورد شاخصه‌های موسیقی‌های تولید شده داخل کشور، نسبت به آثاری که توسط ایرانی‌های مقیم خارج تولید می‌شوند صحبت کنید. آیا اصلاً موسیقی‌های ساخت داخل شاخصه‌ای نسبت به آثار تولیدی خارج از کشور دارد؟ بدون تردید...

مطمئناً اشعاری که در موسیقی‌های تولید داخلی به کار برده می‌شوند و همچنین تنظیم کنندگان و موزیسین‌های داخلی وجه تمایز آثار داخلی نسبت به آثار تولیدی خارج از ایران هستند.

این امتیاز و توانایی‌ها در داخل ایران تا حدی ست که حتی برخی از خواننده‌های ایرانی مقیم خارج از کشور، برای اشعار مورد استفاده در آثارشان، همچنین برای تنظیم موزیک‌ها و بهره‌مندی از نوازندگان و آهنگ‌سازهای داخلی ترجیح می‌دهند از هنرمندانی داخلی استفاده کنند.

تهیه‌کنندگان آثار آن طرف، در بسیاری مواقع دست به دامان شعرا و نوازندگان داخلی می‌شوند و حتی موزیک این آثار بعضاً در ایران ضبط می‌شود (!) و بعد از تکمیل موزیک، خواننده شعر آن را در همان کشوری که هست روی آهنگ می‌خواند!

آیا شرایط طوری نیست که از همکاری برخی شعرا و موزیسین‌های داخلی با این افراد جلوگیری شود؟!

خب باید خود هنرمند برای کارش ارزش قائل باشد. وقتی هدف این هنرمندان، فقط نشر اثرشان - به هر

است که همراه با پیشرفت علم، علم موسیقی هم پیشرفت می‌کند. آن‌چه که برای موفقیت موسیقی لازم است، علم است؛ نه آزادی افسار گسیخته.

به‌عنوان مثال با گذشت سال‌ها، علم و تکنولوژی به کمک ساخت آلات و ادوات موسیقی آمد و در حال حاضر آلات مدرن موسیقی در دسترس قرار دارد. آن زمان‌ها آرزوی یک آهنگ‌ساز بود که صد نفر در ساخت آهنگش، بنوازند. در حال حاضر کار به جایی رسیده که نه تنها آهنگ‌ساز می‌تواند تعداد زیادی نوازنده را یکجا برای نواختن اثرش کنار هم جمع کند، بلکه ساخت مجازی آهنگ به وسیله برنامه‌های رایانه‌ای نیز به کمک آهنگ‌ساز می‌آید. اما این‌ها دلایل کافی برای پیشرفت موسیقی نیستند.

بعد از انقلاب، یک‌سری دغدغه‌های اسلامی و دینی روی موسیقی اعمال می‌شود که آن لحام گسیختگی را از موسیقی می‌گیرد. اما این محدودیت بعد از انقلاب طوری بود که جواب داد. به‌عنوان مثال اگر پدری فرزندش را بدون ارائه توجیهات منطقی از دسترسی به مواد مخدر عوامل انحراف بر حذر بدارد، بی‌فایده است. موسیقی هم همین وضع را دارد. این بر حذر داشتن باید با آگاهی دادن همراه شود. اگر موسیقی بعد از انقلاب فقط با محدودیت همراه بود، این محدودیت‌ها راه به جایی نمی‌بردند. اما محدودیت‌هایی که روی موسیقی اعمال شد، مثل نظر مشورتی‌ای بود که پدر به فرزندش می‌دهد. یعنی محدودیت‌ها، با نظرات مشورتی همراه بود و مسئولین در تمام این سال‌ها تلاش داشته‌اند برای محدودیت‌های دینی دلیل بیاورند.

پرونده
ویژه

این شهرت جهت زندگی‌تان تغییر کند.

■ حالا که بحث به این جا رسید، شاید بد نباشد در مورد افرادی صحبت کنیم که ساکن کشور هستند، اما برای شبکه‌های ماهواره‌ای بیگانه، می‌خوانند.

بله؛ مواردی هستند از خواننده‌هایی که از اعتبار بالایی بین جامعه هنری برخوردار نیستند و با هزینه‌های دو سه میلیونی یک کلیپ تهیه می‌کنند و به شبکه‌های ماهواره‌ای می‌رسانند و بعد از چند نوبت پخش شدن این کلیپ‌ها از شبکه‌های ماهواره‌ای و این به ظاهر مطرح شدن‌ها، همین آقایان هزینه‌های گزافی را برای اجرا در جشن‌های مختلف مطالبه می‌کنند.

■ خب تکلیف بعضی خواننده‌های داخلی مان که تا حدودی هم مطرح هستند و به دعوت این شبکه‌ها، برایشان اجرا می‌کنند، چیست؟! این افراد نباید این کار را انجام دهند. این درست است که در قانون ما جایی برای برخورد با این هنرمندان نیست [مگر این که در این اجراها نقض آشکار قوانین کشورمان صورت گیرد] اما باید این دوستان تکلیف‌شان را روشن کنند که کدام طرفی هستند؟! بعضی از این آقایان هم این توجیحات را می‌آورند که بعد از هزینه‌های آنچنانی که اثرشان مجوز نمی‌گیرد، با این کار می‌خواهند از محو شدن کارشان جلوگیری کنند. اما این کار اصلاً درست نیست.

■ علت موفقیت موسیقی حال حاضر کشورمان نسبت به دوره قبل از انقلاب چیست؟

قبل از انقلاب آزادی‌های کاذب برای موسیقی وجود داشت و در آن دوره، موسیقی بسیار لحام گسیخته گسترش می‌یافت و هیچ محدودیت و نظارت محتوایی و ارزشی روی آن نبود.

اما بعد از انقلاب، ما شاهد اعمال محدودیت‌های مذهبی روی آثار موسیقایی هستیم. با وجود این محدودیت‌ها، موسیقی کشورمان به جای رکود، با موفقیت همراه شد. چرا؟! مشخص

سن همین مخاطب بیش‌تر می‌شود، به همین انتخابش نمی‌خندد؟! هیچ وقت یک پدر دلسوز برای بچه پنج‌سال‌هاش کتاب داستان ترسناک نمی‌خرد... همین طور اگر جوان ما در خانواده‌اش ملاک‌های درست زندگی را یاد بگیرد، سراغ انتخابی نمی‌رود که ارزش نداشته باشد.

■ در مورد خواننده‌هایی صحبت کنیم که در داخل کشور فعالیت داشتند، اما با چرخش ۱۸۰ درجه‌ای، تغییر چهره دادند و با خروج از کشور آثاری را خلق کردند که در شأن موسیقی ایرانی نیست. به‌عنوان مثال «ش.ع» که با یک آهنگ مذهبی برای حضرت فاطمه زهرا (ع) کار خودش را آغاز کرد، اما پس از ترک کشور، آثاری را می‌خواند که نه تنها مذهبی نیستند، بلکه کاملاً ضددینی‌اند و با به‌عنوان نمونه دیگر یکی از اساتید بزرگ موسیقی سنتی ایران که در جریانات سیاسی و با جانب‌داری از یک طیف سیاسی، کارنامه خود را زیر سؤال بردند. چطور می‌شود که کار به این جا می‌رسد؟! ببینید... یک هنرمند باید کار خودش را برای مردم انجام بدهد و به فکر ارائه اثر هنری‌ای باشد که مردم انتظار آن را دارند. همین و بس.

هنرمند نباید از محبوبیتش سوءاستفاده کند. مردم انتظار ندارند شخصی که در اجتماع بابت فعالیت هنری مقبولیت دارد، وارد جانب‌داری‌های سیاسی شود. هنرمند باید کار هنری خودش را انجام بدهد. در مورد بعضی خواننده‌هایی که از ایران خارج می‌شوند باید گفت؛ این آقایان وقتی محیط‌شان تغییر می‌کند، فکرشان هم عوض می‌شود! همچنین تا وقتی که در محله‌های جنوبی تهران بوده، یک جور رفتار می‌کرد و حالا که به فلان کشور غربی مهاجرت کرده یک جور دیگر. نمی‌دانم؟! شاید رنگ آسمان آن‌جا با این طرف دنیا فرق دارد!!!

■ پس به نظر شما این دست خواننده‌ها، هنر را برای هنر نمی‌خواهند؟! یعنی هنر را می‌خواهند به‌عنوان یک ابزار به دست آوردن شهرت؟! خب وقتی کسی تا این حد بالا می‌آید که به شهرت می‌رسد، حتماً به هنر علاقه داشته، و در هنر جای پیشرفت داشته؛ اما برخی‌ها وقتی به شهرت می‌رسند، تبعات شهرت گریبان‌گیرشان می‌شود و اگر آدم محکمی نباشید ممکن است تحت تأثیر

می‌آید که به شهرت می‌رسد، حتماً به هنر علاقه داشته، و در هنر جای پیشرفت داشته؛ اما برخی‌ها وقتی به شهرت می‌رسند، تبعات شهرت گریبان‌گیرشان می‌شود و اگر آدم محکمی نباشید ممکن است تحت تأثیر

می‌آید که به شهرت می‌رسد، حتماً به هنر علاقه داشته، و در هنر جای پیشرفت داشته؛ اما برخی‌ها وقتی به شهرت می‌رسند، تبعات شهرت گریبان‌گیرشان می‌شود و اگر آدم محکمی نباشید ممکن است تحت تأثیر

می‌آید که به شهرت می‌رسد، حتماً به هنر علاقه داشته، و در هنر جای پیشرفت داشته؛ اما برخی‌ها وقتی به شهرت می‌رسند، تبعات شهرت گریبان‌گیرشان می‌شود و اگر آدم محکمی نباشید ممکن است تحت تأثیر

می‌آید که به شهرت می‌رسد، حتماً به هنر علاقه داشته، و در هنر جای پیشرفت داشته؛ اما برخی‌ها وقتی به شهرت می‌رسند، تبعات شهرت گریبان‌گیرشان می‌شود و اگر آدم محکمی نباشید ممکن است تحت تأثیر